

روزنامه نگاران  
و شتاب حوادث تلخعبدالجواد موسوی  
شاعر و روزنامه‌نگار

درباره هر چیزی که بنویسد عده‌ای آدم بیگار و شاغل در کمین نشسته‌اند تا از شما ایراد بگیرند که چرا در این باره نوشتی و در آن باره نوشتی. اگر به صادق بوقی اشاره کنی حتماً عده کثیری خواهند گفت: تو هم مزدوری و ماموریت داری ماجرای صادق بوقی را بزرنگ کنی تا مردم از خاطر بیزند فساد بی نظیر چای دبش را. اگر به چای دبش گیر بدهی حتماً کسانی پیدا می‌شوند تا بگویند: ای آقا! احتیاط است که امری تکراری و پدیدمی و طبیعی است در این کشور، اگر راست می‌گویی به آلودگی هوا اشاره کن که دارد هم‌روزه جان هموطنان ما را می‌گیرد. اگر هم به هوای آلوده بپرداز می‌کنی کسانی که طعنه بزنند: درباره هوای آلوده نوشتن که هنری نیست و هزینه‌ای در پی ندارد اگر جرأتش را داری درباره معلمان بی‌چاره‌ای که پشت و پناهی ندارند و این روزها باید بابت حق گویی پایند الکترونیکی بر پای داشته باشند، بنویس.

چه باید گفت؟ اول اینکه شتاب حوادث و فجایع در این سرزمین آنقدر زیاد است که خیلی‌ها از واکنش نشان دادن، جامی مانند، جدا از اینکه واکنش نشان دادن به اتفاقات روزمره اگر تبدیل به یک عادت شود، شما را از بسیاری از مسائل درست و حسابی و بنیادین مملکت غافل می‌کند. یعنی شما درباره آموزش و پرورش، وضعیت کارگران، اوضاع اسفناک جاده‌ها و کلی مسئله اساسی دیگر اصلاً فرصت نمی‌کنید که بیاندیشید، چه رسد به آنکه بخواهید درباره آن‌ها چیزی قلمی کنید. دوم اینکه پرداختن لفظی به لحظه به لحظه به اخبار روزمره آن‌ها را از اهمیت می‌اندازد. درست مثل اخبار تلویزیون. وقتی مجری خبر بلافاصله بعد از پرداختن به یک فاجعه عظیم سراغ یک خبر پُرسر و صدای ورزشی می‌رود یعنی اهمیت خبر قبلی را به کل از بین می‌برد و شما را مدام از اتفاقات دور و برتان غافل می‌کند. این تنوع و تکثر اگر چه برای معتادان در خبر جذاب است و مشتری جذب کن، اما باز هم آنچه تکثیر می‌شود غفلت است و غفلت است و دیگر هیچ.

سوم اینکه این همه توقع از روزنامه‌نگاران جماعت از کجا می‌آید؟ که گفته روزنامه‌نگاران باید به همه مسائل ریز و درشت این مملکت توجه نشان دهند؟ چرا کمتر کسی محدودیت‌ها و معذورت‌های آن‌ها را در نظر نمی‌گیرد؟ روزنامه‌نگاران هم مثل بقیه بنی آدم گاهی خسته می‌شوند. گاهی اصلاً حال و موضعی ندارند به یک موضوع در نمانند. اصلاً گاهی مریض می‌شوند. گاهی مشکلات خانوادگی پیدا می‌کنند و فرصت پرداختن به همه اتفاقات مورد علاقه شما ندارند. چرا فکر می‌کنید با مشت‌ریابط طرفید که هر وقت اراده کردید، باید حاضر شوند و اظهار نظر کنند؟ و تازه از کجا معلوم که پس از اظهار نظر درباره مسائل مختلف و گوناگون، به این متهم نشوند که چرا درباره همه چیز حرف می‌زنند و تحلیل و تفسیر ارائه می‌دهند؟

چهارم اینکه؛ که گفته مردم با یک اتفاق تازه اخبار مهمی مثل فساد چای دبش را از یاد می‌برند؟ مگر می‌شود از یاد برد؟ مگر اختلاس فاضل خداداد و مرتضی رفیق دوست بعد از این همه سال از یاد رفته است؟ اینکه فی‌المثل ماجرای صادق بوقی توطئه‌های است برای از یاد بردن داستان چای دبش، خودش برخاسته از اذهانی است که به توطئه توهم دچارند. علاوه بر این، گرم کسانی با این ذهنیت ماجرای صادق بوقی را در بوق کردند تا آن فساد عظیم از یاد برود. باید گفت نته‌ها موقوف نشدند بلکه در هر دو بازی باختند. اتفاقاً داستان صادق بوقی باعث شد تا قضیه چای دبش بیشتر مورد توجه قرار بگیرد.

و اما پنجم، همه اتفاقات این مملکت تا اطلاع ثانوی به شدت مهم است. هم ماجرای به ورزشگاه رفتن خانم‌ها به استادبوم، هم وضعیت معیشتی معلمان، هم حذف ربنای شجریان از تلویزیون، هم تعطیلی کارخانه‌ها و اوضاع بد حق و حقوق کارگران. هم اخراج اساتید دانشگاه، هم آلودگی هوا، هم گرنگی مردم در سیستان و بلوچستان و هم مشکلات تئاتر شهر در پایتخت. هیچ کدام هم در اولویت نیستند. به عبارتی همه آن‌ها با هم در اولویتند. سال‌های سال به‌اسم اینکه به‌جای مسائل مهم و بنیادین، به مسائل انتزاعی و فانتزی نپردازد بسیاری از حق و حقوق اولیه مردم را نادیده گرفتند. اتفاقاً همان تفکری که برای آزادی‌های فردی مردم و حریم خصوصی آن‌ها هیچ احترامی قائل نیست، بیشترین صدمه را به نان و کار و سفره مردم زده است. اگر کسی حقیقتاً برای مردم حرمت قائل باشد و آن‌ها را عزیز و محترم بداند، همان قدر که به سلیقه و زیبایی شناسی آن‌ها در هنر، فرهنگ، خوراک و پوشش اهمیت می‌دهد، به جان، مال و احتیاجات روزمره آن‌ها نیز توجه نشان می‌دهد. اینکه ما در مقام سیاستمدار بهتر از شما اولویت‌های زندگی شما را تشخیص می‌دهیم، یک کلاهبرداری آشکار و بزرگ است.

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل) • علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الهه ابراهیمی (خبر) • آرش خاموشی (عکس) • هادی حدیدی (طرح و کاریکاتور) • مدیر هنری: مهدی قربانی تبار • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفظ روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۳۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



## ضعف فدراسیون یا انزوای جهانی؟

اعزام تیم ملی نوجوانان ایران به طور ناقص به مسابقات جام ملت‌ها در امارات اظهار نظرهای ضد و نقیضی را در پی داشت

سپهر خرمی  
گزارشگر ورزشی هم‌میهن

ماجرای ویزا ندادن کشورهای مختلف به ورزشکاران ایرانی در حالی تبدیل به معضلی جدی برای مسئولان ورزش ایران در سال‌های اخیر شده که این مورد ابعاد جدیدتری به خود گرفته است. اگر تا پیش از این، اعزام ورزشکاران ایرانی به آمریکا با مشکل روبرو می‌شد، حالا علاوه بر برخی کشورهای اروپایی، امارات نیز به کشورهایی اضافه شده که برای صادر کردن ویزا مشکلاتی را برای ورزشکاران ایرانی به وجود می‌آورد. مسابقات شطرنج قهرمانی آسیا در رده نوجوانان در کشور امارات می‌توانست موجب پیشرفت رتبه‌های شطرنج‌بازان ایرانی شود اما این اتفاق نته‌ها رخ نداد بلکه به دلیل تعلل در گرفتن ویزا، مربیان و برخی شطرنج‌بازهای ایران از حضور در این مسابقات انصراف دادند تا شرایط فدراسیونی که به خصوص در یکی، دو سال اخیر پر حاشیه بوده بازمعجب‌تر از قبل شود. بعد از صدور ویزا البته تا اخیر، برخی از اعضای تیم ملی ایران مسابقات سریع، همچنین دور نخست بخش استاندارد را از دست دادند و برخی دیگر به‌همین دلیل از حضور در مسابقات انصراف دادند. تنها روشا اکبری در ابتدا به مسابقات اعزام شد و در بخش ریزید ۱۲ سال به مقام سوم رسید. همانطور که گفته شد بعد از این اعزام پرماجرا، برخی از اعضای کادر فنی فدراسیون از حضور در کمیته فنی استعفا دادند. امیررضا پورمضانعلی، استادبزرگ شطرنج ایران و مدرس فیده، یکی از افرادی بود که از کمیته فنی انصراف داد. او در گفت‌وگو با «هم‌میهن» از دلایل استعفا خود پیش از اعزام به امارات گفت و البته اظهار داشت، با ادامه این روند بعید نیست بازم شاهد مهاجرت شطرنج‌بازهای ایرانی به کشورهای دیگر باشیم.

## روابط ضعیف دیپلماتیک به امارات رسید

همانطور که پیش‌تر گفته شد در حال حاضر، انگلیس، فرانسه، ایتالیا، گرجستان یا کشوری مانند یونان هم به ورزشکاران ایرانی به سختی ویزا می‌دهند. اگر چه می‌توان مشابه این رفتار را در قاره‌های دیگر هم جست، ولی اینکه این عادت جدیداً در دستور کار کشورهای آسیایی قرار گرفته، زنگ خطر جدیدی است. چندی پیش عنوان شد عربستان برای صدور ویزای ورزشکاران ایرانی تعلل کرده و بعد از اعتراض صورت گرفته، این کشور ویزاها را صادر کرد. تازه‌ترین اتفاق ولی شوکه‌کننده‌تر هم است. این بار ظاهر امارات قصد ندارد به ورزشکاران ایرانی ویزا دهد یا اینکه این صدور ویزا را قرار است آنقدر کش دهد تا فرصت از دست برود. این موضوعی است که جدیداً شامل حال فدراسیون شطرنج شده است. شهرام عظیمی، سرپرست سابق فدراسیون شطرنج که ظهر دیروز جای خود را به شادی پریرد داد، با انتقاد از عملکرد امارات به‌عنوان میزبان رقابت‌های شطرنج قهرمانی رده‌های سنی آسیا در صدور ویزای تیم ملی رده‌های سنی ایران، از احتمال لغو اعزام این تیم به دلیل عدم صدور روایت خبر داد: «متأسفانه به‌رغم اقدام فدراسیون در تاریخ ۲۱ آبان‌ماه برای درخواست ویزای ملی پوشان و خرید بلیت پرواز، به‌دلیل عدم همکاری امارات و صادر نشدن ویزای بازیکنان و کادر همراه تاکنون، اعزام تیم ملی رده‌های سنی در راه‌آله‌ای از ابهام قرار گرفته است و اگر هر چه سریع‌تر روایت صادر نشود، اعزام تیم لغو خواهد شد.»

## اهمال داخلی

سرپرست سابق فدراسیون شطرنج در حالی تعلل دولت امارات را عامل اصلی صادر نکردن ویزای شطرنج‌بازهای ایرانی می‌داند که امیررضا پورمضانعلی، استاد بزرگ شطرنج ایران و مدرس فیده در گفت‌وگو با «هم‌میهن»، موضوع را از ضعف افراد داخل فدراسیون می‌داند: «به‌هر حال شرایط مسابقات آسیایی از ماه‌ها قبل مشخص می‌شود و فدراسیون‌ها می‌دانند که چه زمانی و در کدام کشور برگزار می‌شود. فدراسیون شطرنج هم قطعاً از شرایط اطلاع داشته است. آنها اعلام کردند که از یک‌ماه قبل برای ویزا اقدام کرده‌اند اما ویزا نرسیده که

این موضوع برای ما هم نامشخص است. من و چند نفر دیگر از اعضای کمیته فنی از رئیس کمیته فنی، مدیر تیم‌های ملی که عضو کمیته هم هستند و آقای افشاری که سرپرست تیم و عضو کمیته فنی‌اند، پرسیدیم که شرایط و دلایل را توضیح دهند اما کسی پاسخگو نبود. برای ما ابهام بود که دلیل آن واقعاً چیست. به‌همین دلیل من و سه نفر دیگر یعنی امیرمحمد سوزنگار (استاد بین‌المللی)، محمد نیکوکار (رئیس هیئت استان ایلام) و فاطمه افشار (رئیس هیئت استان قزوین) انصراف دادیم. «استادبزرگ شطرنج ایران در ادامه افزود: «مشکل ویزا گرفتن یک طرف و هماهنگ‌نشدن شرایط اعزام طرف دیگر ماجرا بود. برخی از بازیکنان در فرودگاه ساعت‌ها منتظر شدند و کسی هم به آنها اطلاع‌رسانی نکرد که ویزا نیامده و باید برگردند به خانه بروند یا برای آنها هتل فراهم شود. هیچ اطلاع‌رسانی درباره این موضوع نشده بود. به‌هر حال این مسئولیت قاعدتاً برعهده افرادی همچون سرپرست تیم، مدیر تیم‌های ملی، دبیر فدراسیون باید باشد و نباید بازیکنان را این‌گونه معطل نگاه دارند.»

## شانس طلا از بین رفت

سه بازیکن تیم ملی شطرنج ایران اما با وجود صادر شدن ویزا در لحظات پایانی، به دلیل اینکه دور نخست مسابقات حضور نداشتند تصمیم گرفتند به‌طور کل از حضور در این مسابقات انصراف دهند. ملیکا موحدی، سینا موحد و محمد مهدی عباسی، سه شطرنج‌بازی بودند که با شانس طلا قرار بود در این مسابقات حضور داشته باشند. موضوعی که پورمضانعلی آن را تأیید می‌کند: «ویزا روز قبل از دور اول استاندارد رسیده بود و اگر می‌خواستند می‌توانستند با هزینه بیشتر بازیکنان را بفرستند که این اتفاق هم نیفتاد. حداقل آنها را که شانس بیشتری برای کسب مدال داشتند، می‌فرستادند. سه نفر از بازیکنان ملیکا موحدی، سینا موحد و محمد مهدی عباسی که خیلی شانس طلا داشتند بعد از اینکه دور اول را از دست دادند از حضور در مسابقات منصرف شدند چون دور هشتم دیگر باید بدون باخت بازی می‌کردند و هر باخت آنها را از سکو دور می‌کرد. چون در این مسابقات وقتی ورزشکار، دور نخست را از دست بدهد و شکست برایش ثبت شود با شکست دوم عملاً از جدول مسابقات حذف می‌شود و شطرنج‌بازهای ما نمی‌خواستند به دلیل چنین اتفاقی مقام نیاورند و ترجیح دادند کلاً به این مسابقات نروند. گرفتن ویزا و اینکه چرا ویزا صادر شد یک طرف ماجرا بود، اما رفتن بازیکنان بعد از دور اول طرف دیگر است. الان تیم ایران نصف‌ونیمه در مسابقات شرکت کرده است. آنها دور اول را باخت خوردند و شانس مدال بسیار کم شد. با از دست رفتن دور اول کار برای بچه‌ها سخت شده و چون سن بازیکنان هم کم است، هماهنگ کردن آنها کار سخت‌تر هم می‌کند.»

## ادامه‌ی مهاجرت‌ها

مهاجرت ورزشکاران ایرانی طی دو، سه سال اخیر شدت بیشتری گرفته است. چندی پیش بود که رقابت مبترا اجاز یور، استادبزرگ شطرنج زنان با پرچم فرانسه در برابر اتوسا پورکشیان، استاد بزرگ شطرنج زنان با پرچم آمریکا در شبکه‌های اجتماعی با واکنش‌های زیادی خصوصاً درباره نتیجه مهاجرت گسترده نخبگان از کشور مواجه شده بود. در رشته شطرنج اما آمار مهاجرت چنان افزایش داشته که باعث نگرانی رؤسای فدراسیون این رشته شده است. طی چهارسال اخیر بیش از هفت استادبزرگ شطرنج از ایران مهاجرت کردند تا به پرچم کشور دیگری با رقیب مبارزه کنند. پورمضانعلی در خصوص این موضوع که با شرایط چندین مساعدی که در فدراسیون شطرنج وجود دارد بازم شاهد مهاجرت ورزشکاران این رشته خواهیم بود، افزود: «من مربی اکثر شطرنج‌بازهایی بودم که طی سالیان اخیر مهاجرت کردند. با قاطعیت می‌گویم تمام این بچه‌ها عاشق افتخار آفرینی برای کشور ایران هستند اما وقتی می‌بینند شرایط در دیگر کشورها مساعدتر است، می‌روند. اگر شرایط به‌همین شکل پیش برود بازم ورزشکاران بیشتری مهاجرت می‌کنند اما اگر بتوانیم مربیان خارجی به کادر فنی اضافه کنیم تا بچه‌ها نکات بیشتری را یاد بگیرند و شرایط اردوهای نیمه‌پهون پیدا کند قطعاً بچه‌هایی مانند چون هدف آنها نیز افتخار آفرینی برای مردم ایران است.» با حضور شادی پریرد که خود از شطرنج‌بازهای بنام ایرانی است، باید دید آیا شرایط ورزشکاران این رشته بهبود پیدا می‌کند یا شاهد مهاجرت ادامه‌دار نخبه‌ها خواهیم بود.

## چهره

## مرگ استاد گیتار

همین چند وقت پیش بود که لیلی افشار، نوازنده برجسته گیتار کلاسیک بعد از طی یک دوره بیماری طولانی در سن ۶۳ سالگی درگذشت. حالا استاد او «همایون خواجهنوری» در سن ۷۷ سالگی دار فانی را وداع گفت. او استاد فریدون فروغی از گیتاریست‌ها و خوانندگان پاپ هم بود. همایون خواجهنوری که چند هفته پیش بر اثر سانحه رانندگی از ناحیه گردن و ستون فقرات دچار مصدومیت شدید شده و در بیمارستان بستری شده بود، ۲۶ آذرماه در

۷۷ سالگی دار فانی را وداع گفت. از خواجهنوری

فقید به عنوان یکی از نخستین نوازندگان حرفه‌ای

گیتار بیس در ایران یاد می‌شود که در بسیاری

از آثار موسیقی پاپ از اواخر

دهه ۴۰ خورشیدی تا سال

۱۳۵۷ نقش آفرینی کرده است.

این هنرمند سابقه همکاری با

آهنگسازانی از جمله محمدحیدری،

واروژان، بابک بیات، انوشیروان

روحانی، فریدرژلاند و برادران چشم‌آذر

را داشته است. او پس از انقلاب به

حرفه عروسک‌سازی روی آورد.



## کتابخانه

## نگاهی به نظرات داروین، فروید و دیگران

کتاب «رودخانه آگاهی»، نوشته آلبور ساکس، با ترجمه ماندانا فرهادیان در ۱۸۷ صفحه و با قیمت ۱۶۰ هزار تومان توسط نشر نو روانه بازار کتاب شده است. «رودخانه آگاهی»، مجموعه‌ای است از جستارهایی که شور و اشتیاق آلبور ساکس را به گستره وسیعی از تلاش‌های بشری برای فهم جهان به تصویر می‌کشند: از گیاه‌شناسی تا تکامل و زمان و خلافت، از آگاهی تا حافظه و تجربه. آلبور ساکس، دانشمند و پزشک و قصه‌گویی بود که بسیاری از کتابخوانان او را با «مردی که زنش را با کلاه اشتباه می‌گرفت» شناختند. «رودخانه آگاهی» گزیده‌ای است از



## رودخانه آگاهی

## نویسنده:

## آلبور ساکس

## مترجم:

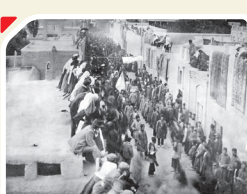
## ماندانا فرهادیان

## انتشارات: نشر نو

مقالاتی که طی سال‌ها در مجلات مختلف، عمدتاً نیویورک ریویو، منتشر شدند. ساکس در این مقالات از آراء قهرمانانش؛ شامل چارلز داروین، زیگموند فروید و ویلیام جیمز سخن می‌گوید و خوانندگان را به سفرهایی می‌برد در عالم پزشکی، گیاه‌شناسی، علوم اعصاب، روان‌شناسی، تاریخ علم و حتی هنر و ادبیات.

## تاریخ

## حمله روس‌ها به تبریز



۲۸ آذرماه ۱۲۹۰، روسیه تزاری در پی اولتیماتوم به ایران برای اخراج مورگان شوستر، مستشار آمریکایی که برای اصلاح امور مالی به استخدام دولت ایران درآمده بود، به شه‌شهر تبریز، رشت

و انزلی حمله کرد. این در حالی بود که دولت ایران اولتیماتوم روس‌ها را پذیرفته بود. مردم تبریز سرسختانه به دفاع از شهر پرداختند اما قوای نظامی روس بر مدافعان تبریزی چیره شدند و بعد از آن، به انتقامی سخت از آزادیخواهان تبریزی دست زدند. اعدام‌های روس‌ها از روز دهم محرم (اول ژانویه) و با اعدام ثقة‌الاسلام تبریزی و شیخ سلیم شدت گرفت. در همین روز دو پسر علی مسیو اعدام شدند. این دو برادر که هنوز ۲۰ سال نداشتند، هنگام اعدام، طناب دار را بوسیدند و به ترکی آذربایجانی فریاد زدند: «زندگی‌یاد ایران! زندگی‌یاد مشروطه!». روس‌ها در این دوران صمدخان را که از دشمنان سرسخت مشروطه بود، به حکمرانی تبریز برگزیدند. او نیز بلافاصله ضمن توقیف مدارس تبریز که بیش از ۳ هزار محصل داشتند، دور تازه‌ای از کشتار مردم را آغاز کرد. برآوردها نشان می‌دهد بیش از ۱۲۰۰ نفر از مردم در این واقعه کشته شدند.